

خاطره بهمن فرمان آرا از آخرین دیدارش با کیارستمی

نشر گیلگمش به تازگی کتاب خاطرات بهمن فرمان آرا با نام «کتاب هفتاد و پنج سال اول» توسط منتشر شده است.

به گزارش پرسون، این کتاب که زندگی‌نگاره بهمن فرمان‌آرا است، روایت او از کودکی تا هفتاد و چندسالگی را شامل می‌شود. او در این کتاب به مرور کامل فیلم‌هایش و این‌که چگونه شد ساخته شدند، پرداخته است. در بخشی از این کتاب که در نشر گیلگمش منتشر خواهد شد، می‌خوانیم: در خانه تک و تنها نشستم روی صندلی. خیره شدم به دیوار روبه‌رو. سال‌ها قبل که رفته بودم دانشگاه یواس‌سی درس سینما بخوانم به این فکر نکرده بودم که ممکن است، روزی هر فیلمنامه‌ای که برای تصویب می‌دهم بگویند نه. فکر نکرده بودم ممکن است کل کارنامه فیلم‌سازی‌ام همان دو فیلمی باشد که قبل از انقلاب ساخته‌ام. دومی هم که فقط سه روز روی پرده رفته بود. کنار آمدن با این حقیقت اصلاً آسان نبود.

بیشتر بخوانید؛

انتشار کتاب خاطرات «بهمن فرمان‌آرا»

نسیم ادبی سفیر کتاب کودک و نوجوان شد

همین‌طور که نشسته بودم روی آن صندلی آفتاب کم و کمتر شد. غروب که از راه رسید هنوز روی همان صندلی به دیوار روبه‌رو نگاه می‌کردم. آفتاب که رفت ایده‌ای به ذهنم رسید: کارگردانی دلش می‌خواهد فیلم بسازد، اما به هر دری که می‌زند فایده ندارد. فکر می‌کند باید فیلمی درباره مردن خودش بسازد.

بهمن فرمان آرا امروز در صفحه اینستاگرامش با چاپ عکسی از زنده‌یاد عباس کیارستمی، خاطره‌ای از آخرین دیدارش با در مورد این سینماگر را تعریف کرده است:

بار آخری که رفته بودم دیدن عباس، آن‌قدر جان نداشت که حرف بزنم. جراحی‌های مکرر و اشتباهات پزشکان امانش را بریده بود. برق چشم‌هایش نبود. امید به زندگی را همیشه در چشم‌هایش می‌شد دید. خبری از این امید نبود. ناامید شده بود. کم حرف می‌زد. بیش‌تر گوش می‌کرد. حرف زدن برایش سخت بود. گفت از کار تازه چه خبر؟ فیلم نمی‌سازی؟ گفتم دارم شروع می‌کنم. بعد هم اضافه کردم نقش اصلی این‌یکی را خودم بازی می‌کنم. چشم‌های عباس برق زد. لبخندی نشست روی لب‌هایش. گفت چه خوب. من که گفته بودم اگر خودت بازی کنی بهتر است. اگر گوش کرده بودی تا حالا شده بودی یک برکد. گفتم مثل وودی آلن؟ گفت مثل وودی آلن و هر دو لبخند زدیم.